

بررسی رابطه بین آموزش اجتماعی و ارتکاب به قاچاق کالا (مطالعه موردی استان هرمزگان) [۱]

میثم موسایی

دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران
mousaei@ut.ac.i

مریم احمدزاده

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و رفاه دانشگاه تهران
Ma_ahmadzadeh@yahoo.com

غیررسمی از آنها پرسش‌هایی در راستای سؤالات تحقیق صورت گرفته است.

اصلی‌ترین نتایج حاصل از این بررسی این است که آموزش درون خانواده‌ها و گروه همسالان به افراد به عنوان عاملی تأثیرگذار در قاچاق کالا در سطح خرد است و در سطوح میانی و کلان قاچاق، عوامل دیگری از جمله ثروت‌طلبی افراد تأثیرگذارتر بودند.

مقدمه

امنیت اجتماعی و اقتصادی مهم‌ترین عاملی است که بسترساز رشد و توسعه در هر منطقه می‌باشد و به منظور افزایش امنیت و شناخت و کاهش آسیب‌ها در هر جامعه‌ای ابتدا باید تهدیدها و پتانسیل‌های منطقه را شناخت و در جهت‌دهی درست آنها کوشید. قاچاق کالا به عنوان یک معضل اقتصادی، اجتماعی و یکی از پدیده‌های زشت اجتماعی است که اکثر کشورهای

قاچاق کالا / آموزش درون خانواده‌ها و بین نسلی / سطح خرد و میانه و کلان قاچاق

چکیده

مقاله حاضر به بررسی ارتباط شاخص آموزش درون خانواده و قاچاق کالا در استان هرمزگان می‌پردازد و فرضیه اصلی آن این است که قاچاق کالا در فرآیند آموزش درون خانواده‌ها و گروه همسالان به افراد آموخته می‌شود.

چارچوب نظری این مقاله از نظریه یادگیری اجتماعی ساترلند [۲] گرفته شده و بر اساس آن متغیرها تعریف و به بررسی رابطه بین متغیرها پرداخته شده است.

جامعه مورد مطالعه در این مقاله استان هرمزگان است و بررسی به روش کیفی صورت گرفته است. جامعه آماری حاضر تعداد ۵۵ نفر از شهروندان و ۱۵ نفر از زندانیان قاچاق کالا در زندان بندرعباس می‌باشند که به روش مصاحبه رسمی و

جهان به نوعی از آن رنج می‌برند. در کشور ما نیز قاچاق کالا، بزرگ‌ترین خطری است که بخش‌های مختلف صنعتی و تولیدی کشور را تهدید می‌کند. بررسی‌های آماری کارشناسان اقتصادی نیز حکایت از سهم ۲۰ تا ۳۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی ایران به قاچاق کالا و اقتصاد زیرزمینی دارد، و حدود ۵۰ درصد از فعالیت‌های زیرزمینی را قاچاق به خود اختصاص می‌دهد.[۳]

این پدیده، به عنوان واقعیتی کتمان‌ناپذیر که به دلایل مختلف در سال‌های اخیر گسترش نیز یافته است نیاز به بررسی‌های عمیق دارد تا در جهت پیشگیری از آثار سوء آن اقدامات لازم به عمل بیاید.

استان هرمزگان، یکی از استان‌های مرزی کشورمان است و دارای موقعیتی استراتژیک و حساس از لحاظ جغرافیایی و اقتصادی بوده و رتبه دوم در قاچاق، در سال ۸۴ را داشته است.[۴]

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش عامل اجتماعی آموزش در گرایش افراد بومی به کار قاچاق در منطقه صورت گرفته و میزان تأثیر و نقش آموزش را در مقایسه با عوامل تأثیرگذار دیگر مقایسه می‌کند. از آنجا که آثار و پیامدهای شوم این پدیده در ابعاد مختلف جامعه مشهود می‌باشد لذا بررسی علل آن در جهت پیشگیری و فرهنگ‌سازی مثبت در منطقه مؤثر خواهد بود.

در واقع سؤال این تحقیق این است، آیا قاچاق در فرایند آموزش درون خانواده به افراد آموخته می‌شود؟ تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی و دو تکنیک مشاهده و مصاحبه (رسمی و غیررسمی) از مجموع ۷۰ مصاحبه شونده در سطح شهر و زندان به جمع‌آوری داده‌های خود پرداخته است.

روش نمونه‌گیری، به صورت هدف‌گرا بوده و در طول کار ما به دنبال افراد مطلع و یا مجرمینی که به دلیل ارتکاب به قاچاق در زندان به سر می‌بردند بودیم.

کار حاضر نیز نمونه‌گیری هدف‌گرا از دو گروه زندانیان قاچاق و شهروندان می‌باشد که به روش گلوله‌برفی یا توصیه شده انتخاب شدند. به این ترتیب که از مسئولین زندان خواسته شد که افرادی خاص که از نظر آنها قادر و مشتاق به بیان تجربیات و دانسته‌های خود هستند را به ما معرفی کرده و سپس

مورد مصاحبه قرار گرفتند.[۵]

در نقطه مقابل این گروه شهروندان بودند که در درون خود طیف گسترده‌ای از استاد دانشگاه، قاضی مسئول پرونده‌های قاچاق و کارمند استانداری تا یک مغازه‌دار مطلع از قاچاق را شامل می‌شود. در میان این گروه نیز با بررسی‌های بسیار توانستیم حتی الامکان به افراد مطلع در امر قاچاق دست یابیم.

۱. مبانی نظری

۱-۱. رویکردها در مورد علل بزهکاری

دیدگاه‌های مختلف در مورد علت بزه باعث طرح رویکردهایی به عنوان چارچوب نظری در این مورد شده‌اند که در ذیل به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۱-۱. رویکرد شکل‌ظاهری [۶]

رویکرد شکل‌ظاهری یکی از قدیم‌ترین نظریه‌های بزهکاری است که بر اساس ساختار زیستی و ظاهری بدنی بزهکاری را تبیین نموده است. این رویکرد در مورد بزه، نظری کاملاً متفاوت با رویکردهای دیگر دارد. اگر چه در مطالعه او چهل و دو عامل فرهنگی اجتماعی نیز با بزهکاری همبستگی داشته‌اند. در ارزیابی این رویکرد آنچه در باور این اندیشه امروزه باقیمانده است در نقش‌های شخصیتی هنرپیشگانی است که در فیلم‌های سینمایی و یا تلویزیون مشاهده می‌کنیم. معمولاً نقش‌های خشن و بزهکارانه را افراد زشت صورت ایفا می‌کنند و نقش‌های مثبت توسط افراد جذاب ایفا می‌شود. یافته‌های برخی از آن‌ها نشان می‌دهند تمایل قاضی در تأیید بیگناهی افرادی است که از جذابیت ظاهری بیشتری برخوردارند.[۷]

۱-۱-۲. رویکرد ساختار زیستی

این رویکرد به دور از هر ارتباطی بین شکل ظاهری و اختلالات ذهنی، بر تأثیر نقش شخصیت زیستی فرد در رفتار بزهکارانه تأیید دارد مثل تأثیر ژن‌ها بر رفتار. در این نظریه‌ها مسأله توارث و ژن‌ها به طور جداگانه بررسی می‌شود. سابقاً مسئله توارث در رفتار بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت در حالیکه در نظریه‌های نوین به مسئله ژن‌ها و بزهکاری به نوعی دیگر

نظر دارند. دیدگاه‌های نوین این رویکرد به تغییراتی که در اثر تخریب ژنتیکی در ژن‌ها بوجود می‌آید تأکید می‌کنند. در نظریات جدید زیست‌شناختی تأثیر مستقیم زیستی در رفتار بزهکارانه مورد حمایت نیست، در عوض شرایط زیستی خاص را در فرد که باعث بروز الگوهای رفتاری غیرعادی است پیش می‌کشد. به طور خلاصه می‌توان اذعان کرد رویکرد زیست‌شناختی به تعامل بین عوامل زیستی و محیط اجتماعی بیشتر تأکید دارد تا تأثیرات خالص زیستی. در ارزیابی این رویکرد پیشنهاد می‌شود موضوع جرائم و تخلفات از دیدگاه زیست‌شناختی لازم است به صورت رویکردی چند عاملی مورد توجه قرار گیرد. اگر چه ممکن است حضور چند عامل زیستی عامل خطر بزهکار شدن در فرد را تقویت کند اما تعامل مسائل روانشناختی و اثرات عوامل اجتماعی در مسئله بزه باید در نظر گرفته شود. [۷]

۳-۱-۱. رویکرد روانشناختی

در رویکردهای روانشناختی نیز علاوه بر عوامل زیستی، عوامل موقعیتی در تبیین رفتار بزهکارانه مهم به نظر می‌رسند. به همین جهت بسیاری از پژوهش‌های زیست‌شناختی در مسئله بزهکاری، توسط روانشناسان انجام شده است. برخی از نظریه‌های روانشناختی معتقد است؛ رفتار بزهکارانه ریشه در یادگیری رفتار مشاهده شده دارد موضوعی که در بحث‌هایی که در رویکردهای جامعه‌شناختی رفتار بزهکارانه نیز مطرح است. به طور اختصاصی‌تر رویکردهای روانشناختی بیشتر جنبه‌های روانپزشکی مسئله را در تبیین بزه مهم می‌دانند تا موضوع زیست‌شناختی را، نظریه‌های این رویکرد عمدتاً عنصر شخصیت را در بررسی رفتارهای بزهکاری؛ آنچه که در اصطلاح شخصیت ضداجتماعی نامیده می‌شود را مورد بحث قرار می‌دهند. زمینه تاریخی این نظریه‌ها از اندیشه‌های فروید [۸] و دیدگاه‌های فروید نشأت گرفته است. ارزیابی این رویکرد، بیانگر آن است که افراد دارای شخصیت‌های درونی هستند که با جرم و رفتار بزهکارانه در ارتباط است. اما از طرفی دیگر نگاهی به ماهیت پژوهش‌های روان‌شناختی که عمدتاً از طریق روان‌سنجی انجام می‌شود خود خالی از اشکال نیست و انتقادات خود را به همراه دارد، به

طوری که مشکلات بررسی‌های روان‌سنجی و روانشناختی باعث شده است که جرم‌شناسان با تمام علاقه‌ای که به دیدگاه‌های روانشناختی بزه دارند این پژوهش‌ها را بی‌معنا بدانند. به طور خلاصه می‌توان اظهار داشت که رویکرد روانشناختی، هنوز نتوانسته است به روشنی تأثیر شخصیت را در بزهکاری نشان دهد. شاید پیشنهاد موجه‌تر، بررسی تحلیل موقعیت وقوع رفتار و شخصیت متفقاً رهگشا باشد. [۷]

۴-۱-۱. رویکرد وضعیت اقتصادی

در تقابل بین دیدگاه‌های زیست‌شناختی و روانشناختی و در مطالعه بزه عده‌ای نیز عامل اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در رویکرد تأثیر عامل اقتصادی به موضوع بزهکاری، مسئله فقر و بیماری به طور گسترده مطالعه شده‌اند. موضوع فقر و دلایل ارائه شده از تأثیر آن در بروز رفتار بزهکارانه ایجاب می‌کند که محله‌های فقیرنشین و محله‌های غنی‌نشین با همدیگر مقایسه شوند تا بتوان ادعا کرد که فقر به عنوان عامل تأثیرگذار شناخته شده است. پژوهش در مورد بیکاری به عنوان یک شاخص درآمد نیز نشان می‌دهد ارتباطی بین بیکاری و بزهکاری نوجوانان یافت شده است (گلاسر و رایس) [۹]. در ارزیابی رویکرد اقتصادی نیز همانند رویکرد روانشناختی می‌توان ادعا نمود، تأثیر نابرابری‌های اقتصادی در بزه بیشتر از تأثیر عامل فقر است. اگر چه اکثر پژوهش‌ها نشان داده‌اند، ارتباطی بین فقر و بزه وجود دارد؛ لیکن فقر را به عنوان عامل اصلی بزه مطرح نشده است، به طوری که با افزایش و کاهش افراد فقیر بزهکاری نیز افزایش و یا کاهش یابد. [۱۰]

۵-۱-۱. رویکرد خرده فرهنگ‌ها و قاجاق

آخرین رویکردی که در مباحث نظریات جامعه‌شناختی و قاجاق تشریح می‌شود، رویکرد خرده فرهنگ‌ها است. برخی از جامعه‌شناسان رفتار کج‌روانه را به عنوان هم‌نوایی افراد با خرده فرهنگ‌هایی می‌دانند که آنان به آن تعلق دارند. خرده فرهنگ‌ها الگویی از ارزش‌ها، هنجارها و رفتار هستند که در میان گروه‌های خاصی، به سنت تبدیل می‌شود. آنان شبکه‌های مهم مرجعی می‌باشند که افراد و گروه‌ها از آن طریق جهان را می‌بینند و

تفسیر می‌کند. فردی که تعهد خاصی به جامعه ندارد اما پیوندهای محکمی با خرده فرهنگ قاچاق دارد، احتمال بیشتری برای روآوردن او به کار قاچاق وجود دارد. اعضای خرده فرهنگ مصرف‌کنندگان مواد، ارزش‌ها و هنجارهای‌شان را برای اشخاصی که جذب این نوع زندگی می‌شوند، تبلیغ می‌کنند؛ جامعه‌پذیری فردی که به این نوع زندگی می‌پیوندد، باید زندگی‌اش در هماهنگی با خرده فرهنگ جدید به منزله یک عضو خوب نظم مجدد پیدا کند، تا مورد تایید اعضا باشد. خرده فرهنگ‌ها، پاداش‌ها و مجازات‌هایی را برای موقعیت‌های حساس به منظور حفظ وفاداری اعضا به کار می‌گیرند. [۱۱]

فرد معمولاً در این خرده فرهنگ‌ها نگرش‌های جدیدی را نیز می‌آموزد، او ممکن است یاد بگیرد خودش را به عنوان یک قاچاقچی تعریف کند. قضاوت‌های جدیدی در مورد کار قاچاق و نگرش‌های منفی و جدیدی را در مورد قوانینی که از کار قاچاق جلوگیری می‌کنند یاد بگیرد. بنابراین وقتی فردی خود را به عنوان یک قاچاقچی تعریف کند، جامعه هم او را به این شکل می‌شناسد. [۱۲]

۱-۲. نظریه یادگیری

این نظریه، بر این باور است که کج رفتاری و همنوایی طی فرایند مشابه توسط شرکت در گروه‌های همسالان یاد گرفته می‌شوند.

۱-۲-۱. ساتر لند و پیوند افتراقی

۱ - رفتار بزهکارانه یادگرفتنی است (موروثی نیست بلکه آموزش دیدنی است).

۲ - رفتار بزهکارانه را در فرآیندی ارتباطی و طی کنش متقابل با دیگران یاد می‌گیرند (این ارتباط بیشتر زبانی است، اشاره‌ای هم می‌تواند باشد).

۳- بخش اصلی یادگیری رفتار بزهکارانه در گروه‌های شخصی صمیمی صورت می‌گیرد (کارگزاران غیرشخصی مانند فیلم، روزنامه و...) نیز نقش کم اهمیت‌تری دارند.

۴ - فرایند یادگیری از دو جنبه: الف) فنون ارتکاب به جرم ب) جهت‌گیری ویژه انگیزه‌ها و سلیقه و نگرش‌ها.

۵ - هم‌نشینی افتراقی از نظر تکرار دفعات، طول زمان، اولویت و شدت با یکدیگر فرق دارند.

۶ - فرآیند یادگیری رفتار بزهکارانه از طریق هم‌نشینی با الگوهای بزهکارانه و ضد بزهکارانه است.

۷ - هر چند رفتار بزهکارانه نشانه‌ای از نیازها و ارزش‌های عمومی است، اما به وسیله نیازها یا ارزش‌های عمومی تبیین نمی‌شود زیرا رفتار غیربزهکارانه توصیف همان نیازها و ارزش‌های عمومی است.

بر اساس این نظریه که از طرف عوامل مؤثر در کج‌روی‌های اجتماعی ارائه شده است می‌توان مواردی را به شرح زیر معرفی کرد.

در جوامع مدرن، خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌های گروهی به واسطه قدرت و تأثیر پیوسته‌ای که در کج‌روی‌ها دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

خانواده: اساسی‌ترین نهاد جامعه‌پذیر کردن کودکان در سال‌های نخستین است و خوب و بد و غلط و درست را به کودک می‌آموزد (نخستین مکانی که احتمالاً بومیان قاچاق را آموزش می‌بینند).

مدرسه: نخستین محیطی که بعد از خانواده وارد آن شده و وظایف و حقوق و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را می‌شناسد.

گروه همسالان: کودکانی که از موقعیت و وضعیت نسبتاً مساوی برخوردارند و با گسترش نفوذ این گروه از نفوذ خانواده کاسته شده و تأثیر این گروه در سن بلوغ به اوج خود می‌رسد (احتمالاً نقش مؤثری در یادگیری و تشویق به قاچاق دارند).

وسایل ارتباط جمعی: ابزاری در جهت ابلاغ پیام‌ها و بیان افکار و انتقال مفاهیم به دیگران است و یافته‌های امروزه حاکی از تأثیر بالای رسانه در کج‌روی‌های افراد جامعه به خصوص جوانان دارد. [۱۳]

با توجه به نظریات فوق‌الذکر در این کار ما از نظریه یادگیری ساترلند به عنوان چارچوب اصلی کارمان استفاده می‌کنیم. چرا که در این کاربرش اصلی‌مان که در واقع در طول کار ما به دنبال پاسخگویی به آن می‌باشیم همین مقوله چگونگی نقش

آموزش در ارتکاب به قاچاق می‌باشد از این رو با مروری بر سایر دیدگاه‌های نظری و آشنایی با آنها بر آن شدیم تا از نظریه ساترلند که با روند کارمان همسویی بیشتری دارد بهره ببریم.

۲. یافته‌ها

۲-۱. توصیف داده‌ها

مصاحبه نیمه سازمان یافته از زندانیان قاچاق، در زندان با هماهنگی مسئولین آن در طی هفته دوم اردیبهشت ۸۷ صورت گرفت و توانستیم با ۱۵ نفر از زندانیان قاچاق کالا مصاحبه کنیم، که از این ۱۵ نفر ۱۱ نفرشان مرد و ۴ نفرشان زن بودند.

از لحاظ میانگین سنی و وضعیت تحصیلات؛ این گروه دارای میانگین سنی ۳۲ سال بوده و ۶۶ درصد شان سواد ابتدایی و ۳۴ درصد بقیه‌شان دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم بوده و هیچیک دارای تحصیلات بالای دیپلم نبودند.

از لحاظ وضعیت تأهل؛ ۶۰ درصد متاهل و ۲۰ درصد

مجرد و ۲۰ درصد شان در دوران عقد بودند که البته به دلیل دستگیری دچار مشکل شده و همسرانشان طلاق غیابی گرفته بودند.

از لحاظ حجم خانوار؛ ۹۳ درصد در خانواده‌هایی پر جمعیت از حداقل ۵ فرزند تا ۱۸ فرزند بزرگ شده بودند. به طور کلی می‌توان ادعا کرد که تقریباً صد درصدشان از مسائل خانوادگی از قبیل (فوت پدر در کودکی، طلاق والدین، چند همسری پدر، ترک پدر، اختلافات والدین، سرپرست خانوار بودن، فقر، بیکاری و...) رنج می‌بردند. در واقع همگی به نوعی در بستر خانواده‌های نابسامان به سر می‌بردند. به دلیل فقر ۳۰ درصد از خانواده‌های این افراد تحت پوشش کمیته امداد بودند.

از لحاظ وضعیت مسکن؛ تنها ۲۰ درصد از اینها خانه مستقل از خود داشته و بقیه یا مستأجر بودند یا به همراه پدر و مادر خود زندگی می‌کردند.

سه لایه قاچاق که در مصاحبه‌ها برداشت شد عبارتند از:

مغز متفکر قاچاق ← اطلاع از روند کاری دارند.

لایه‌های ارتباطی ← پل ارتباطی دو لایه بالا و پایین هستند (رده‌های بالای این گروه هم کمتر در چنگال قانون می‌افتند). (۴ تا ۵ لایه)

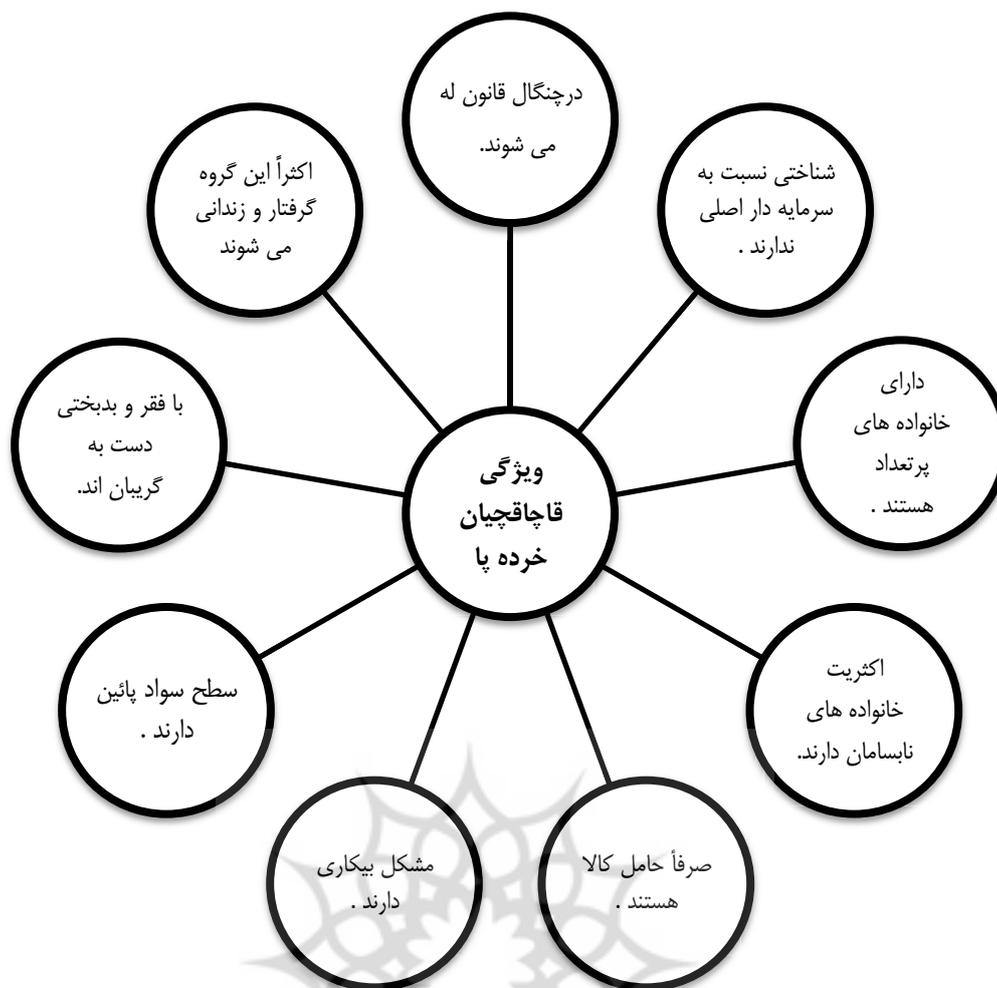
خرده پاها ← تنها با یک یا دو حداکثر دو لایه بالاتر خود در ارتباط هستند حامل کالا و در معرض ریسک‌اند و اطلاعاتی از عناصر اصلی یا صاحب کالا ندارند.

چارت فوق لایه‌های مختلف قاچاق را نشان می‌دهد که از سه لایه تشکیل شده است:

۱. مغز متفکر قاچاق (سرمایه‌دارهای اصلی این کار) کار مدیریت و سازماندهی را بر عهده دارند.

۲. لایه‌های ارتباطی و میانی (در واقع پل ارتباطی بین لایه بالا و پایین‌اند و کمتر در چنگال قانون گرفتار می‌شوند).

۳. عناصر خرده پا: به عنوان ابزاری برای حمل کالا هستند که شناخت چندانی از لایه‌های بالایی ندارند (ریسکشان بالا و راحت‌تر در چنگال قانون گرفتار می‌شوند).
بر اساس یافته‌های این تحقیق ویژگی قاچاقچیان خرده پا در نمودار (۱) قابل جمع‌بندی است:



نمودار ۱

تعداد ۳۰ مصاحبه اتفاقی در سطح شهر و ۲۵ مصاحبه رسمی داشتیم. مصاحبه‌های اتفاقی، همانطور که از اسمشان مشخص است در زمان‌های متغیر انجام می‌شد ولی مصاحبه‌های رسمی درون شهر بعد از پایان مصاحبه‌های زندان شروع شد و به لحاظ زمانی نیز با میانگین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بودند. مصاحبه شونده‌گان رسمی ۸۰ درصد مرد و ۲۰ درصد زن بودند و از این تعداد ۶۰ درصد متأهل و ۴۰ درصد مجرد بودند. در این گروه ۳۶ درصد دارای تحصیلات عالی، ۲۰ درصد کمتر از دیپلم و ۷۰ درصد دارای دیپلم بودند.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

قاقاچق در این استان مرزی جزئی از فرهنگ زیستی و جغرافیایی آنها به شمار می‌آید، به عنوان نمونه وقتی مرد خانواده

مطابق نمودار (۱)، قاقاچقیان خرده پا که به دلیل فقر و بیکاری و نداشتن مهارت و سواد لازم به جز قاقاچق، ناخواسته و از روی اجبار در دام سودجویان گرفتار شده و برای کسب حداقل درآمد حاضرند ریسک قاقاچق را به جان بخرند.

علاوه بر مصاحبه با زندانیان، در سطح شهر نیز با ۳۵ نفر از شهروندان مصاحبه داشتیم که این مصاحبه‌ها در سطح شهر تا حدود زیادی با زندان متفاوت بود چرا که در این بخش دست محقق بازتر بود تا مصاحبه‌های اتفاقی از افراد مختلف داشته باشد. در واقع مصاحبه‌های اتفاقی که فرد مقابل اطلاعی از چرایی پرسش‌ها ندارد و صرفاً آن‌ها را حسی کنجکاوانه می‌پندارد، واقع بینانه‌تر است. گروه شهروندان شامل طیف وسیعی از مطلعین می‌باشند.

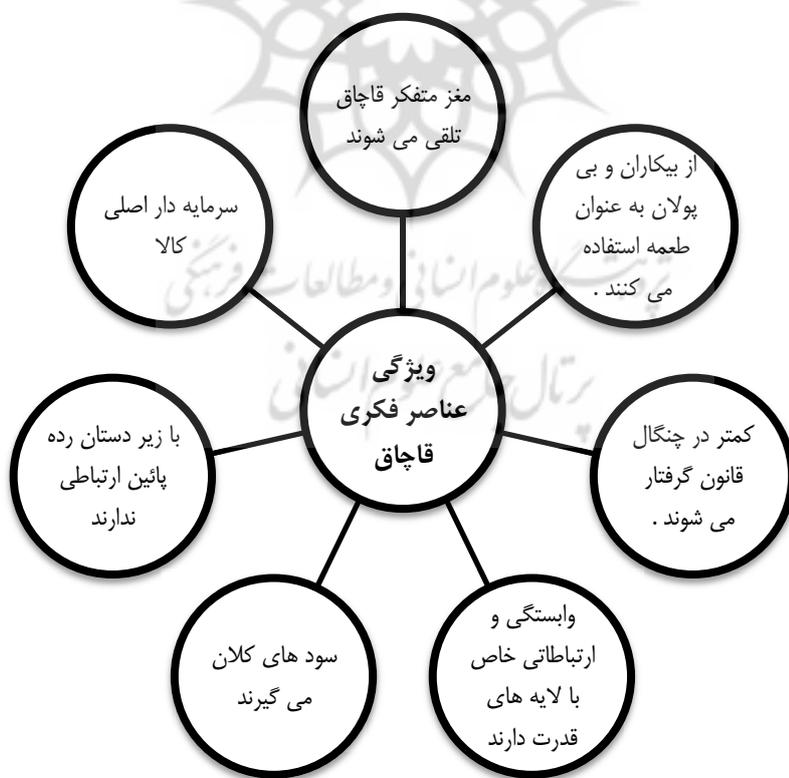
برای حمل کالای قاچاق به دریا می‌رود خانواده در کنار ساحل با علامت‌هایی حضور یا عدم حضور پلیس را به او خبر می‌دهد و کل خانواده با او در این امر همراهی می‌کنند. آنها پلیس را به عنوان دشمنی واحد شناخته که همواره در فکر راهی برای فرار از آنها هستند.

از مجموع مصاحبه‌ها و مشاهدات صورت گرفته مشخص می‌شود که به مرور، کل اعضای خانواده (زن و کودکان) قاچاق را یاد گرفته و اگر احتمالاً مرد خانواده در چنگال قانون گرفتار شود یا به دلایلی دیگر قادر به انجام این کار نباشند زن خانواده با استفاده از اطلاعات و تجربیات به دست آورده راه او را ادامه می‌دهد. از نظر یکی از قضات رسیدگی به پرونده‌های قاچاق بعضاً زندانی شدن برای قاچاق کالا فرد را در این فرهنگ تبدیل به یک قهرمان می‌کند که برای کسب درآمد زندگی دستگیر شده است و این خود حاکی از ناعادلانه دیدن قانون قاچاق از منظر بومیان است.

شهروندان مسئول به نکات دیگری نیز اشاره نموده‌اند که از

آن جمله:

- نقش کشورهای همجوار و سیاست‌های اقتصاد باز آنها اشاره دارند.
- سازمان شیلات نیز با سهمیه‌بندی‌هایی که برای صید و فصول آن قائل است.
- وجود ابهامات در قانون قاچاق و استنباط‌های متفاوت از بعضی قوانین باعث شده است که انگیزه مبارزه با قاچاق در دراز مدت کم رنگ شود.
- به اعتقاد برخی از مسئولین استانداری، روحانیون اهل تسنن مخالفت چندانی با قاچاق ندارند از این رو، عرصه را بر فعالیت سودجویان باز می‌کنند.
- از منظر یکی از قضات عالی رتبه استان، یکی از انگیزه‌های گرایش مردم منطقه به قاچاق را تجاری بودن منطقه می‌دانند.
- در مقابل نتایج مصاحبه از شهروندان عادی تا حدودی متفاوت بود.



نمودار ۲

رشته‌گیری مأمورین انتظامی داشتند. و پاره‌ای از آنها نیز مأمورین محاسبه و ترخیص کالا را در گمرک ناسالم می‌دانستند. در مورد نظر روحانیون اهل سنت نیز باید اشاره کرد که آنها تجارت هر چیز حرامی را حرام می‌دانند و بدین‌سان در مورد قاچاق مواد و مشروبات و دیگر اقلام کالاهای حرام حکم حرام می‌دهند اما به نظر می‌رسد در مورد سایر موارد قاچاق به دلیل ریسک بالا و خطرهای آن مردم را بر حذر می‌دانند.

فرضیه تحقیق

- قاچاق در فرآیند آموزش درون خانواده یا دوستان و اقوام یاد گرفته می‌شود.

نظریه یادگیری

روش مورد مطالعه در این مقاله، مصاحبه رسمی و غیررسمی و مشاهده از شهروندان و قاچاقچیان زندان بود به وسیله مطالعات صورت گرفته می‌توانیم به شرح زیر نسبت به صحت و سقم فرضیه تحقیق نظر بدهیم.

جدول ۱- آموزش درون خانواده

عامل آموزش درون خانواده در زندانیان، به ندرت دیده شد چرا که اغلب خانواده هایشان از ریسک این کار هراسان بوده و مخالف کار فرزندانشان بودند.	زندانیان
از منظر این گروه آموزش درون خانواده به عنوان عاملی تأثیر گذار و ثانویه بوده، بعد از فقر و بیکاری می‌تواند مؤثر باشد.	شهروندان عادی
این گروه آموزش درون خانواده را به عنوان یکی از عوامل مهم یاد کردند که در سطح قاچاق خرد مؤثر است.	شهروندان مسئول

مطبوعات در جهت آگاه‌سازی مردم اقدام کنند. نقش آموزش‌های سنتی را نیز نباید از نظر دور داشت چرا که در جامعه‌ای مانند بندر عباس که مردم به شدت سنتی هستند، تحت تأثیر آموزش سنتی قرار دارند و لذا روحانیون و نهادهای مذهبی می‌توانند نقش مهمی در آموزش اجتماعی شهروندان ایفا کنند.

جمع‌بندی و ملاحظات

قاچاق کالا یک سیستم هدایت شده است و علاوه بر آن

می‌توان ادعا کرد که تقریباً ۱۰۰ درصد قاچاق را امر بد و خلافی نمی‌دانستند بلکه تنها در موارد خاصی مثل مشروبات و مواد آن را جرم تلقی می‌کردند. اما با این وجود همگی هزینه قاچاق را بالاتر از سودش ارزیابی می‌کردند و پیشرفت سریع را در قاچاق با سقوط زود هنگام برابر می‌دانستند. آنها نیز سرمایه‌دارهای اصلی استان را تا حدود زیادی از استان‌های هم‌جوار می‌دانستند.

همچنین اکثر قریب به اتفاقشان ۹۰ درصد از حضور مسئولین غیربومی و اشغال پست‌های مناسب توسط غیربومی‌ها ناراضی بوده و قاچاق را زائیده فقر و بیکاری بومی‌ها می‌دانستند. گروهی از آنها نیز به قاچاق به عنوان حرفه‌ای قدیمی که از دیر باز به دلیل هم‌جواری با دریا وجود داشت می‌دانستند. همگی از گمرک به خاطر تعرفه‌های ناعادلانه‌اش ناراضی بودند و سخت‌گیری شیلات را نیز برای صید بومیان مؤثر می‌دانستند. آنها نیز جریمه نقدی را برای این جرم کافی می‌دانستند و زندان رفتن را باعث یادگیری جرایم جدید می‌دانستند. تقریباً همگی اذعان به

با توجه به اطلاعات جدول (۱)، فرضیه ما «قاچاق در فرایند آموزش درون خانواده یاد گرفته می‌شود» با شواهد بالا در دو سطح زندانیان و شهروندان مسئول و عادی با احتمال بالای ۸۰ درصد تأیید شد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، آموزش اجتماعی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر ارتکاب قاچاق کالا در بندر عباس می‌باشد لذا به نظر می‌رسد برای پیشگیری از ارتکاب قاچاق در بلندمدت باید بر مسأله آموزش سرمایه‌گذاری کافی صورت گیرد و ثانیاً رسانه‌های جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون و

8. Freud, Sigmund.

9. Glasser & Rize.

۱۰. کمالی، ۱۳۸۵، صص ۷۰-۸۰.

۱۱. سخاوت، ۱۳۸۱، ص ۵۸.

۱۲. صدیق سروستانی، ۱۳۸۵.

۱۳. ستوده، ۱۳۷۸، ص ۵.

منابع

ستوده، هدایت‌اله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران؛ انتشارات آوای

نور، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.

شادینیا، هوشنگ، قاچاق کالا و امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات

همایش امنیت اجتماعی، ۱۳۸۰.

صانعی، اشرف السادات، روش‌شناسی تحقیقات کیفی در علوم

پزشکی، تهران، برای فردا، چاپ اول، ۱۳۸۳.

صدیق سروستانی، رحمت‌اله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران،

نشر آن، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

کمالی، علی، مقدمه‌ایی بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی،

تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

سخاوت، جعفر، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی انتشارات

دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱.

معاونت اجتماعی ناجا، جغرافیای جرم در ایران، ۱۳۸۳.

مشکانی، زهراسادات، آزمون تجربی نظریه التقاطی در بزهکاری

کودکان و نوجوانان تهران بزرگ، مجله دانشکده پزشکی،

۱۳۷۷.

برخی مسامحه و سهل‌انگاری‌ها در ایجاد آن دخالت دارند. قاچاقچیان کالا قبلاً از فرصت رانت‌خواری استفاده کرده‌اند و در حال حاضر با استفاده از آن ثروت‌های بادآورده دست به قاچاق می‌زنند. قاچاق سازمان یافته کالا یکی از ویژگی‌های فساد اقتصادی در کشور است. به منظور جلوگیری از بحران‌های اقتصادی ناشی از این پدیده مبارزه با آن حتمی بوده و مستلزم ایجاد یک بستر مناسب مبارزه شدید علیه آن است و الا رانت‌خواران هر اقدام اصلاحی را خنثی خواهند کرد.

در این تحقیق هدف اصلی ما بررسی شاخص اجتماعی قاچاق به روش کیفی بوده است که در راستای آن از نظریه اجتماعی ساترلند استفاده نمودیم. البته در طول مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها سلسله عوامل دیگری را نیز در شیوع این پدیده مؤثر شناختیم.

پی‌نوشت

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران می‌باشد.

2. Edwin Sutherland.

۳. شادینیا، ۱۳۸۰، صص ۸۳-۸۴.

۴. معاونت اجتماعی ناجا، این اطلاعات توسط مسئولین ناجا در تابستان ۸۶ اعلام شده است.

۵. صانعی، ۱۳۸۳، صص ۳۵-۳۷.

6. Body type theories.

۷. مشکانی، ۱۳۷۷، ص ۷۸.